

## تحلیل جامعه‌شناختی اخلاق کار بر اساس دستگاه نظری پیر بوردیو

دکتر محمد مظلوم خراسانی\*، دکتر محسن نوغانی\*\*، زهرا خضری\*\*\*

\* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد ایمیل: mmkhorasani@ferdowsi.um.ac.ir

\*\* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد ایمیل: noghani@ferdowsi.um.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، ایمیل: g\_khezri@yahoo.com

## چکیده

امروزه اخلاق کاری، به عنوان یکی از مفاهیم مهم به ویژه در حوزه مسائل جامعه‌شناسی سازمانی و صنعتی، توجه صاحب‌نظران زیادی را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر نیز با استفاده از تئوری تلفیقی بوردیو، پدیده اخلاق کار را با روشی رابطه‌گرایانه و دیالکتیکی مورد کنکاش و تحلیل نظری قرار داده است. تکوین اخلاق کار در یک رابطه دیالکتیک و تاثیر میدان‌ها در شکل‌گیری و جهت‌دهی به آن، دغدغه اساسی و بنیادین پژوهش حاضر است؛ این‌که از یک طرف، میدان‌های اقتصادی و قدرت مستتر در آن‌ها چگونه بر اخلاق کار (عادت‌واره) تاثیر می‌گذارند و از طرف دیگر، اخلاق کار چگونه و طی چه فرایندی به کنش‌هایی منجر می‌شود که به بازتولید همان میدان‌های تاثیرگذار می‌انجامد. نهایتاً بر اساس دیدگاه نظری بوردیو می‌توان نتیجه گرفت که کنشگران در داخل میدان‌ها ضمن آن‌که برای دسترسی به سرمایه‌های چندگانه رقابت می‌کنند فضای میدان و مکانیسم‌های آن و همچنین روابط سلسله‌مراتبی بر ماهیت اخلاق کاری آنان اثر می‌گذارد؛ در این میان بسته به نوع تاثیر، اخلاق کاری می‌تواند به کارایی یا عدم کارایی سازمان منجر شود.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق کار، میدان، عادت‌واره، قدرت، بازتولید، عوامل سرمایه‌ای، دیالکتیک ساختاری

## مقدمه

یکی از مهمترین عواملی که باعث تسریع در رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد، بهره‌وری نیروی انسانی<sup>۱</sup> و افزایش پتانسیل‌های آن است. آگاهی از میزان بهره‌وری کارکنان از یک سو باعث بهبود وضعیت آنها شده و از سوی دیگر با افزایش حجم تولیدات و خدمات سازمان‌ها، تحولات بزرگی در روند حرکت آنها به وجود خواهد آورد و این جریان در نهایت در روند تحقق اهداف کلان سازمانی کمک شایانی خواهد کرد (صالحی صدقیانی، ۱۳۸۸: ۹۲). بنابراین اتخاذ نگاه کل نگرانه و همه جانبه به سازمان و عناصر سازمانی، سازمان را در مسیر رسیدن به اهداف خویش، بیشتر کمک خواهد کرد. اخلاق کار یک هنجار فرهنگی است که به انجام کار به نحو احسن و مناسب در جامعه، ارزش معنوی خوب و مثبتی می‌دهد و نشان از این دارد که کار دارای ارزش ذاتی است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹). مسلم است که اثر بخشی و کارآیی سازمان‌ها در گرو عملکرد و اخلاق کاری مناسب کارکنان بوده و این مهم، یکی از اساسی‌ترین اهدافی است که سازمان‌ها در راس برنامه‌های خود دارند.

بحث اخلاق کار برای اولین بار در اوایل قرن بیستم توسط ماکس وبر<sup>۲</sup> (۱۹۰۵-۱۹۰۴) با عنوان اخلاق کار پروتستانی در جامعه غرب مطرح شده است. از دید نظر وبر، پروتستان‌تیزم نظامی از ارزش‌های جدید پی افکند و گونه‌ای از شخصیت‌ها را پرورش داد که با متعالی شمردن ارزش کار و عبادت دانستن آن در برابر خدا و توجه به عقلانیت در امور اقتصادی موجب ایجاد دگرگونی‌های فنی و توسعه در غرب گردیده است (فریار، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳). به زعم آل بورف<sup>۳</sup> توجه به رفتارهای اخلاقی تاثیر چشم گیری بر روی فعالیت‌ها و نتایج سازمان دارد، چرا که بهره‌وری را افزایش می‌دهد، ارتباطات را بهبود می‌بخشد و درجه خطر پذیری را کاهش می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۳: ۶۷).

در این میان، ضعف اخلاق کاری در جامعه ما به عنوان یک معضل اقتصادی و اجتماعی تلقی شده و عملکرد افراد را در محیط‌های کاری تحت تاثیر قرار می‌دهد و موجب ضعف عملکرد نیروی انسانی در بخش‌های مختلف اعم از تولیدی و یا سایر سازمان‌های دولتی و غیر دولتی گردیده است. به طوری که این مسئله تبدیل به یکی از تنگناهای دست‌یابی به توسعه همه جانبه در کشور شده است و در شرایط فعلی، پاسخ راهبردی، کاربردی و هدف‌دار به این معضل، بخشی از تعهدات و وظایف محققان، برنامه‌ریزان و دانشگاهیان کشور می‌باشد. لذا توجه به عوامل اثر گذار بر ارتقای اخلاق کار در محیط‌های کاری می‌تواند در فرآیند توسعه گامی موثر تلقی گردد. در این راستا، پژوهش حاضر نیز براساس دیدگاه نظری پیر بوردیو<sup>۴</sup> سعی در کنکاش و تحلیل جامعه‌شناختی پدیده اخلاق کاری می‌باشد.

## مباحث نظری

در این بخش ابتدا برخی از مفاهیم اساسی دستگاه نظری بوردیو جهت تحلیل بهتر موضوع اخلاق کار معرفی می‌شود: میدان<sup>۵</sup>: منظور بوردیو از میدان، حوزه تعامل دارای ساختار سلسله مراتبی است که در آن کنشگران به عمل می‌پردازند. به عبارتی، میدان شرایطی است که کنش در چارچوب آن صورت می‌گیرد (شارع پور، ۱۳۸۹: ۹۱). میدان اجتماعی

۱. Labor Productivity

۲. Max Weber

۳. All Borf

۴. Pierre Bourdieu

۵. Field

از جایگاه های تشکیل شده که کنشگران اجتماعی آنها را تصرف می کنند. کنشگران که جایگاه های خاص را تصرف می کنند، می فهمند که چگونه باید در میدان رفتار نمود و این درک طبیعی به نظر می رسد (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۸). میدان یک عرصه اجتماعی است که کنشگران در آن بر سر منافع مطلوب کشمکش دارند (توحید فام و حسینیان امیری، ۱۵۹: ۱۸۸). به نظر بوردیو، میدان، پهنه زندگی اجتماعی مانند هنرها، صنعت، قوانین، پزشکی، سیاست و نظایر آن است، کنشگران در داخل هر یک از این میدان ها برای کسب قدرت و منزلت تلاش می کنند (اسمیت و رایلی<sup>۱</sup>، ۲۵۱: ۱۳۹۴). بوردیو، میدان ها را مجموعه های تاریخی ای بر می شمارد که طی زمان به وجود آمده اند، رشد کرده اند و تغییر شکل داده اند و یا تضعیف شده و از بین رفته اند (استونز، ۱۳۸۸: ۳۳۶). وی میدان را جهان خرد بسته ای در درون جهان کلان و باز اجتماعی می داند که به طور مستقل عمل می کند و قوانین خود را دارد و کسی که به این محیط وارد می شود بایستی بر نشانه ها و قواعد داخلی آن تسلط داشته باشد در غیر این صورت به سرعت از بازی خارج می شود (توحید فام و حسینیان امیری، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

کردها در قلمروهای ساخت یافته ای که میدان نامیده می شوند اتفاق می افتند. این مفهوم مرکزی جامعه شناسی بوردیو، تاثیر عادت واره را به ساختارهای لایه بندی شده قدرت در جامعه مدرن پیوند می دهد. بوردیو اگرچه جامعه مدرن را نسبتا مستقل فرض می کند اما معتقد است که میدان های تولید، توزیع و مصرف در جامعه مدرن از نظر ساختاری، همولوژیک و متجانس هستند. میدان ها بین ساختارهای اجتماعی و کردارهای فرهنگی میانجیگری می کنند. مفهوم میدان در اندیشه بوردیو نسبت به مفاهیم عادت واره و سرمایه فرهنگی کمتر شناخته شده است. اما میدان، ستون مرکزی عمارت نظری بوردیو محسوب می شود (سوارتز، ۱۹۹۷: ۹).

عادت واره<sup>۲</sup>: عادت واره نیز، به مجموعه ای نسبتا ثابت از خلق و خواها گفته می شود که محصول تجربه های کنشگران در موقعیت های خاصی در ساختار اجتماعی است، ساختاری که کنش ها و باز نمودها را تولید می کند و به آن ها نظم می بخشد، در واقع، عادت واره همچون رهنمون های انعطاف پذیری عمل می کند که کنشگران از آن آگاه نیستند و به آسانی با فضای جدید انطباق می یابند (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۳۱۹). عادت واره مکانیسمی مولد است که به واسطه ای آن ذائقه ها، برداشت ها و رویه های روزمره ایجاد و اعمال می شوند. عادت واره ابزاری است که مردم به واسطه ای آن نظام های دوست داشتنی ها و دوست نداشتنی ها را توسعه می دهند، شیوه ای است که رویه های اجتماعی را شکل داده و تکرار می کنند و همچنین مجموعه ای از اصول و رویه های راهنماست که آنها در روابط خود با دیگران و اشیاء مورد استفاده قرار می دهند. آن مجموعه ای از گرایش های مورد استفاده در عمل است که به افراد در روابطشان با مردم و اشیاء در جهان اجتماعی جهت می دهد. عادت واره در افراد به واسطه ای شرایطی که به شکل تاریخی و اجتماعی در تولیدش محقق می شوند شکل می گیرد و می تواند به عنوان درونی شده طبقه<sup>۳</sup> تصور شود (بک و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۷). به هر حال بوردیو با طرح مفهوم منش و عادت واره و پیوند آن با میدان ها و ساختارهای اجتماعی تیپ خاصی از ساختارگرایی را مطرح می کند که به ساختارگرایی ژنتیکی معروف است (سوارتز، ۱۹۹۷: ۱۰۲).

۱. Smith & Riley

۲. Habitus

۳. Class Internalized

بورديو در تحليل عادت واره، معتقد است بايد به اصل ريختار<sup>۱</sup> طبقاتی - شكل درونی شده وضعیت طبقاتی و شرطی شدن های ملازم با آن - بازگردیم که موجب وحدت اعمال و تکوین اعمال می شود. بنابراین باید طبقه عینی<sup>۲</sup> را برسانیم که مجموعه عاملانی است که در شرایط وجودی همگون و مشابهی جای دارند که شرطی شدن های مشابهی را به آنها تحمیل می کند و نظام های طبع و قریحه مشابهی به بار می آورد که می توانند عمل یا کردوکردار مشابهی انجام دهند و همچنین عاملانی که صاحب مجموعه ای از ویژگی های مشترک یا ویژگی هایی که به صورت ریختار طبقاتی جسمیت می یابند (بورديو، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

مساله ساختار و عاملیت<sup>۳</sup>: حوزه تحلیلی دیگر بورديو، رابطه بین کنش فردی و ساختار اجتماعی است. چه چیزی کنش انسانی را برمی انگیزد؟ آیا آن طوری که جامعه شناسی آکادمیک فرض می کند کنش فردی در پاسخ به عوامل بیرونی است؟ آیا کنش فردی تحت تاثیر فرهنگ، ساختار اجتماعی و اشکال تولید، تعیین می یابد؟ و آیا کنشگران آنطوری که پدیدارشناسان، تفسیرگرایان و عقل گرایان اعا دارند بنا به دلایل شخصی دست به عمل میزنند؟ در همین رابطه، رفتار کنشگران تحت تاثیر چه عواملی سامان می یابد؟ آیا کنشگران بر اساس سنت دورکیمی از نظر معرفت شناختی خلع سلاح می شوند و قابل اعتماد نیستند؟ و یا آیا کنشگران، عنصر مرکزی استدلال علمی اند همانطور که هرمنوتیسین ها به آن اعتقاد دارند؟ چنین مسائلی را گیدنز، مسائل محوری نظریه اجتماعی می داند یعنی رابطه ساختار و عاملیت.

بورديو از نخستین جامعه شناسان پس از جنگ جهانی دوم است که رابطه عاملیت و ساختار در جامعه شناسی وی مرکزیت دارد. او عاملیت و ساختار را در یک رابطه دیالکتیکی به هم پیوند می دهد. وی در برابر مفهوم پردازی هایی که کنش انسانی را محصول مستقیم عوامل بیرونی قلمداد می کنند واکنش نشان می دهد؛ خواه به صورت ساختارهای خرد تعامل و یا ساختارهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه واقع شوند. همچنین بورديو آن طوری که در مدل های عقلانی کنش انسانی وانمود می شود، کنش را محصول عوامل درونی قلمداد نمی کند؛ از دیدگاه بورديو تبیین های جامعه شناختی باید ابعاد خرد و کلان را مورد توجه قرار دهند. بورديو با مفهوم پردازی نظریه کنش در صد فرارفتن از دوگانه انگاری هایی است تا این که ابعاد خرد و کلان؛ جبرگرایانه و آزادیخواهانه فعالیت انسانی به جای تبیین های تقلیل گرایانه در یک چرخش مفهومی با همدیگر تلفیق شوند. بنابراین نظریه ساختاری کنش را ارائه می کند تا کنش را به فرهنگ و ساختار پیوند دهد (سوارتز، ۱۹۹۷: ۸).

قدرت و بازتولید<sup>۴</sup>: بورديو، برای تبیین روابط بین فرهنگ، ساختار اجتماعی و کنش، جامعه شناسی قدرت نمادین را پیشنهاد می کند. در مطالعه دهقانان الجزایری، اساتید دانشگاهی، دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان یک پرسش بنیادین شکل می گیرد: این که چگونه سیستم های اجتماعی سلسله مراتبی و آغشته به سلطه، ماندگار می مانند و بدون مقاومت و آگاهی اعضا در بین نسل های متمادی، بازتولید می شوند و استمرار می یابند. بورديو خاطر نشان می کند که پاسخ به این پرسش در نحوه استقرار افراد و گروه ها در روابط سلسله مراتبی سلطه از طریق منابع فرهنگی، دارایی ها و نهادهای

۱. Habitus

۲. Objective class

۳. The Agency/Structure Problem

۴. Power and Reproduction

اجتماع، مستتر است. او ادعای متهورانه ای را مطرح می کند که تمامی نمادها و کردارهای فرهنگی از ذائقه های هنری، سبک های پوشش و عادات تغذیه گرفته تا مذهب، علم و فلسفه و حتی زبان دربرگیرنده منافع اند و کارکردشان افزایش تمایز اجتماعی است. از دیدگاه بوردیو، منازعه برای تمایز اجتماعی حتی در شکل نمادین آن، خصیصه بارز و اساسی تمام حیات اجتماعی است. قضیه مهم تر، حضور روابط قدرت در بین افراد، گروه ها و نهادهای اجتماعی است. در حقیقت از نظر بوردیو، قدرت حوزه مستقلی برای مطالعه نیست بلکه در بطن تمام امور اجتماعی جریان دارد و اعمال موفقیت آمیز قدرت مستلزم مشروعیت است. بنابراین، نقطه کانونی اندیشه بوردیو این است که چگونه جامعه پذیری فرهنگی افراد و گروه ها را در بین جایگاه های سلسله مراتبی قرار می دهد و همچنین چگونه میدان های نسبتا مستقل تعارض، افراد و گروه ها را بر سر مبارزه حول منابع ارزشمند به هم دیگر متصل می کند. و چگونه کنشگران، برای رسیدن به منافع شان در چنین میدان هایی مبارزه و ناآگاهانه به بازتولید نظم سلسله مراتبی کمک می کنند. بنابراین، فرهنگ از دیدگاه بوردیو، نه تنها از محتوای سیاسی تهی نیست بلکه تجلی سیاست است.

استعمال و بازتولید قدرت و مزایای طبقاتی، حلقه اصلی و وحدت بخش آثار بوردیو محسوب می شود. بلندپروازی بوردیو، تکوین علمی است که برای تمامی جوامع قابل استعمال باشد؛ امری که به بازتولید فرهنگی و اجتماعی روابط قدرت در بین افراد و گروه ها بپردازد. بوردیو در اظهار نظرهای اولیه (بوردیو، ۱۹۷۳) در جستجوی علمی است که به بازتولید ساختارها می پردازد:

«مطالعه قوانینی که به وسیله آن ها، عاملانی خلق شوند تا از طریق سازگاری با ساختارها، ساختارها به بازتولید خویش سرگرم شوند».

بوردیو در جدیدترین اظهارات خویش کارهایش را طوری توصیف می کند که در جستجوی نظریه ژنتیکی گروه های اجتماعی است. چنین نظریه ای توضیح می دهد که چگونه گروه ها، مخصوصا گروه های خانوادگی، وحدت و انسجام را ایجاد و ایقا می کنند تا از طریق آن، موقعیت خویش را در سلسله مراتب اجتماعی، استمرار و یا بهبود ببخشند. بوردیو بر نقش فرهنگ در بازتولید اجتماعی تاکید می کند و این که چگونه گروه ها از طریق استراتژی هایی به تولید و بازتولید هستی جمعی خویش همت می گمارند؛ بنابراین، نقش فرهنگ در فرایند بازتولید، مساله اساسی جامعه شناسی و انسان شناسی و هسته اصلی کلیه آثار وی محسوب می شود (بوردیو، ۱۹۸۵: ۷۴۱).

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>: مجموع منابع بالفعل و بالقوه ای که با داشتن شبکه پایدار، مناسبات و روابط کم و بیش نهادی شده حاصل از آشنایی با سایر افراد، پیوند دارند (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۸). سرمایه اجتماعی، محصول تعلقات (اتصالات) اجتماعی است که در شرایط معینی، قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی بوده و ممکن است به شکل مواردی چون؛ عنوان و نجیب زادگی، نهادینه شود (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۳). وی بر آن است، سرمایه اجتماعی اساسا مجموعه ای از روابط اجتماعی است که فرد یا گروهی در اختیار دارد، داشتن این نوع سرمایه به معنای برقراری و حفظ روابط، یا به معنای اجتماعی بودن است، مانند دعوت های متقابل، گذراندن اوقات فراغت با دیگران و... (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۶۸). این نوع سرمایه، در صورت نیاز، حمایت های سودمندی فراهم می کند و اگر فرد بخواهد در موقعیت های مهم اجتماعی، مراجعین را جذب کند، کاملا

۱. Social Capital

ضروری بوده و ممکن است که به صورت نوعی پول رایج ارائه شود (بوردیو، ۱۹۷۷: ۵۰۳). بوردیو بر این باور است که سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به کنشگر، وزن اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد بر حسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی، پیوندهایی که وی را به افراد دیگر وصل می‌کند می‌بخشد. وضعیت این افراد از نظر سرمایه، به صورت‌های مختلف آن، شباهت کامل یا نزدیک با وضعیت کنشگر دارد (شویره و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵: ۹۸).

سرمایه فرهنگی<sup>۲</sup>: شکلی از مفهوم پردازی قدرت به عنوان سرمایه در جوامع گوناگون که بوردیو با عمومیت دادن منطق تحلیل اقتصادی به کالاها و خدمات غیر اقتصادی ارائه می‌دهد، سرمایه فرهنگی است. مفهوم پردازی بوردیو، منابع وسیعی چون مهارت‌های زبان شناختی، آگاهی فرهنگی، ترجیحات زیباشناختی، اطلاعات در مورد سیستم آموزشی و قوانین آموزشی را پوشش می‌دهد (سوارتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷: ۷۵). از دیدگاه بوردیو سرمایه فرهنگی تابعی از سرمایه اقتصادی است (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۳). در هنگام انتقال بین نسلی، سرمایه فرهنگی نسبت به سرمایه اقتصادی از مخاطرات بیشتری برخوردار است (سوارتز، ۱۹۹۷: ۸۰). بوردیو در نظریه سرمایه فرهنگی خود مدعی است سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل ظاهر شود. تجسم یافته که شامل تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی (میزان آشنایی و فعالیت‌های هنری مانند موسیقی، خط و نقاشی، ورزش، زبان خارجی و...)، عینیت یافته که شامل مؤلفه‌های نرم افزاری (کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه) و وسایل سخت افزاری (کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، دوربین). نهادینه شده که مربوط به انواع مدارک تحصیلی، گواهی نامه‌های معتبر فنی و حرفه‌ای است (بوردیو، ۱۹۹۷: ۴۲).

سرمایه اقتصادی<sup>۴</sup>: سرمایه اقتصادی مقدار سرمایه مادی مورد نیازی است که از خطرات اقتصادی که یک موسسه را تهدید می‌کند حفاظت می‌نماید (وان لاری و باسنز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹: ۹). به بیانی دیگر، سرمایه اقتصادی مانع از ورشکستگی موسسات اقتصادی می‌شود. از دیدگاه بوردیو این سرمایه، ریشه و مبدا سایر سرمایه‌ها است و در حقیقت سایر اشکال سرمایه، تغییر شکل یافته یا مدل دیگری از سرمایه اقتصادی هستند. سرمایه اقتصادی به علت ماهیت عینی آن نسبت به سایر اشکال سرمایه، ثبات بیشتری دارد و از سیالیت و انعطاف‌پذیری سایر اشکال سرمایه برخوردار نیست (سوارتز، ۱۹۹۷: ۸۰). این سرمایه از عوامل گوناگون تولید (املاک، کارخانجات، کار) و مجموعه دارایی‌های اقتصادی (درآمد، میراث، کالاهای مادی)، تشکیل شده است (بون ویتز<sup>۶</sup>، ۱۳۹۱: ۶۷). سرمایه اقتصادی شامل اشکال پول (ثروت) است که افزایش ظرفیت بالقوه و دست‌یابی به آن وجود دارد. سرمایه اقتصادی اغلب دارای امتیاز است زیرا به سادگی می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد و در این زمینه تمایلی جهت سرمایه‌گذاری در انواع سرمایه‌های دیگر به صورت سرمایه اقتصادی وجود دارد. شاخص‌های سرمایه اقتصادی عبارت‌اند از: بدهی (وام)، تساوی سرمایه، مالیات بر درآمد، پس‌انداز، تخفیف مالیات و امتیازات (فلورا و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۲۹۴).

۱. Chauvire & et al
۲. Cultural Capital
۳. Swarts
۴. Economical Capital
۵. Laere and Baesens
۶. Bonnewitz
۷. Flora et al

بورديو با خلق ابزارهای مفهومی جدید در جامعه شناسی و ترکیب آن ها در صدد تبیین پدیده های اجتماعی است. وی با بسط سرمایه اقتصادی به سایر اشکال سرمایه، تلاش می کند به افشای روابط قدرت درون میدان ها بپردازد. میدان، ستون اصلی نظریه بورديو محسوب می شود و کنشگران درون میدان ها برای کسب اشکال چندگانه سرمایه با هم مبارزه می کنند. میدان ها شبیه میدان های مغناطیسی، خاصیت جاذبه و دافعه دارند. از این رو میدان ها، حامل قدرت اند؛ قدرتی که می تواند به شکل عادت واره (در این جا اخلاق کاری) متبلور شود. البته از دیدگاه بورديو قدرت، فرامیدانی است که در همه جا حضور دارد؛ این دیدگاه بورديو به شدت با لغزندگی قدرت در دیدگاه فوکو همانندی دارد و به آن نزدیک می شود. بورديو با اتخاذ مفهوم دیالکتیک، ساختارها را هم ساخت یافته و هم ساخت دهنده قلمداد می کند و از این لحاظ فهم یک پدیده را بدون در نظر گرفتن جوانب متعدد آن نمی توان فهم و شناسایی کرد. در هم تنیدگی مفهومی بورديو از هر جهت شگفت انگیز است. از این منظر نظری، کنشگران، درون میدان های ساخت یافته بر سر سرمایه مبارزه می کنند و روابط سلسله مراتبی درون میدان ها به ساختمان ذهنی آنان جهت می دهد و یا به معنایی بورديویی ساخت می یابد؛ این ساختار ساخت یافته از طریق مفهوم کنش در یک حرکت ماریپیچی به بازتولید مرزهای میدان منجر می شود. در نهایت می توان گفت بورديو با اتخاذ مفهوم دیالکتیک ساختاری، نظریه پرداز بازتولید اجتماعی است؛ لذا اخلاق کار در این فضای مفهومی و تئوریک، هم ساخت یافته و هم ساخت دهنده است. بورديو این چنین به نظریه پرداز بازتولید اجتماعی بدل می شود.

#### بحث و نتیجه گیری

عملکردهای مثبت و منفی کارکنان، محصول اخلاقیات یا ساختار عادت واره ای هستند که با ذهنیت آنان عجین شده است و همچون عواملی اثرگذار، فرکانس های مثبت و منفی را صادر می کنند؛ فرکانس هایی که از جنس همان اخلاقیاتی هستند که با ساختمان فکری، روحی و ذهنی کارکنان همطراز است. اخلاقیات نیز محصول تعاملات کارکنان با عوامل ذهنی و عینی ای است که خصیصه بارز هستی شناسی آنان محسوب می شود؛ به عبارتی دیگر، اخلاقیاتی که به عملکردهای شغلی، جهت می دهد و آن ها را ساختمند می کند، خود نیز، تحت تاثیر عواملی دیگر ساخت می یابد. در این میان، حضور کارکنان در میدان اجتماعی و میزان دسترسی آنان به سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته ای را در شکل گیری اخلاقیات کارکنان ایفا می کند. کیفیت و کمیت سرمایه ها و میزان دسترسی کارکنان به آن ها، به مثابه قطب نمایی عمل می کند که مسیر سازمان و نهایتا بهره دهی یا عدم بهره دهی آن را تعیین می کند؛ مسیری که می تواند سر از خلاقیت و ابتکار سازمانی درآورد و یا سازمان را با بن بست های ذهنی و عینی عدیدهای مواجه کند؛ بن بست هایی که هرگز به نفع سازمان و اهداف سازمانی نخواهد بود.

اگر سازمان را به مثابه میدانی فرض کنیم مرزهای سازمان، توسط اخلاقیات سازمانی، ساختار بندی و یا به معنایی دگر سنج بندی می شود و میزان افزایش کارکنان به سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به افزایش پتانسیل های انسانی و اخلاقی و همچنین به افزایش بهره وری و کارایی سازمانی منجر می شود؛ شرایطی که برای هر سازمان مدرن و صنعتی در جوامع امروز ضرورتی بنیادین دارد. اخلاق کاری، ریختاری فرهنگی است که در یک رابطه دیالکتیکی با میدان اقتصادی و مرزهای آن تکوین می یابد؛ امری که بورديو آن را ساختارگرایی ژنتیکی می نامد. به معنایی دیگر قدرت مستتر درون میدان است که به مثابه یک ساختار، ریختار فرهنگی کارکنان (اخلاق کاری) را شکل می دهد. در این جا، اخلاق کاری به عنوان

یک پدیده فرهنگی هم به تعاملات و ارتباطات سازمانی کمک می کند و هم یکی از پیامدهای سلطه نیز هست؛ یعنی روابط نابرابر کنشگران درون میدان ها و میزان و حجم سرمایه های چندگانه کنشگران به عادت واره ای (اخلاق کاری) می انجامد که در مرحله بعد همین عادت واره (ریختار فرهنگی) ساخت یافته به کنش ها و کردارها جهت می دهد؛ کنش ها و کردارهایی که خود نیز به بازتولید میدان های ساخت دهنده نخستین کمک می کنند و به استمرار شرایط موجود می انجامند. بنابراین بر اساس رویکرد بوردیویی، اخلاق کاری، ساختاری ساخت یافته و ساخت دهنده است؛ کردارها نیز چنین موقعیتی دارند، هم توسط عادت واره، ساخت می یابند و هم به میدان های ساخت دهنده به عادت واره ها جانی تازه می بخشند. دیاکتیک میدان و عادت واره؛ و عادت واره و کردار به بازتولید ختم می شود. از دیدگاه بوردیو اخلاق به هیچ وجه ذاتی نیست بلکه پدیده ای است که در جریان تعاملات و روابط اجتماعی در یک رابطه دیالکتیکی تکوین می یابد؛ تجلی آن به عنوان یک امر ذاتی نشانه ذاتی بودن آن نیست بلکه بر قدرت میدان ها و ماهیت ساخت دهی آن ها دلالت دارد؛ طوری که هر مشاهده گری را به این فکر و امیدارد که اخلاق امری طبیعی است و مصنوع میدان های اجتماعی نیست در حالی که چنین برداشتی بر اساس رویکرد بوردیویی خطاست.

اخلاق کاری به عنوان یکی از عناصر ساختمان ذهنی محصول رابطه دیاکتیک آن با ساختمان عینی است و شباهت ماهیت اخلاق کار با ماهیت قدرت در میدان های مورد نظر، بوردیو را به خلق مفهوم همولوژی ساختاری سوق می دهد؛ یعنی بین ساختارهای ذهنی و ساختارهای عینی تجانس برقرار می شود. با توجه به دیدگاه بوردیو راجح به حضور قدرت به مثابه یک فرامیدان می توان چنین نتیجه گیری کرد که صاحبان سرمایه های چندگانه توان طراحی و مشروعیت بخشیدن به اخلاق کاری را دارند و حاملان سرمایه های محدود مجبور به پذیرش و درونی کردن اخلاقیاتی هستند که آغشته به روابط قدرت اند. اخلاق کاری آغشته به قدرت به کنش هایی می انجامند که به استمرار روابط سلسله مراتبی و لایه بندی شده در میدان های اجتماعی منجر می شوند به معنایی دیگر، اخلاق کاری واسطه ای است که کنش و ساختارهای سلسله مراتبی را به هم پیوند می دهد.

#### منابع

۱. اسدی، حسین، راد، فیروز، علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۱)، بررسی اخلاق کار با تاکید بر عوامل سازمانی (مطالعه موردی کارکنان دانشگاه های دولتی کلانشهر تبریز)، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی، سال دوم، شماره پنجم، صص ۲۹-۴۴.
۲. اسمیت، فلیپ دانیل، رایلی، الگزنדר (۱۳۹۴)، نظریه فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۳. بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۱)، درس هایی از جامعه شناسی پیر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری، حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.
۴. توحید فام، محمد، حسینیان امیری، مرضیه (۱۳۸۸)، فراسوی کنش و ساختار: تلفیق کنش و ساختار در اندیشه آنتونی گیدنز، پیر بوردیو و یورگن هابرماس، تهران: نشر گام نو.
۵. جلائی پور، حمیدرضا، محمدی، جمال (۱۳۸۸)، نظریه متاخر جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
۶. شوریه، کریستیان، فونتن، اولیویه، پیر زرده، ژان (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.



۷. صالحی صدقیانی، جمشید، محمدی مقدم، یوسف، حبیب زاده اصحاب (۱۳۸۸)، بررسی عوامل سازمانی موثر بر بهره وری نیروی انسانی کارکنان فرماندهی انتظامی استان لرستان، فلنامه انتظام اجتماعی، سال ۱، شماره ۱، صص: ۱۰۹-۹۳.
۸. فریار، اکبر (۱۳۸۰)، *اصول و مبانی جامعه شناسی صنعتی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر).
۹. قراملکی، فرامرز (۱۳۸۳)، *اخلاق حرفه‌ای*، تهران: انتشارات مؤلف.
۱۰. گرنفل، مایکل (۱۳۹۳)، *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
۱۱. Bourdieu, P. (۱۹۹۷). *Practical Reason*, Cambridge: Polity Press.
۱۲. Bourdieu, P. (۱۹۷۷). *Culture Reproduction and Social Reproduction*, New York: Oxford University Press.
۱۳. Bourdieu, P. (۱۹۸۶). *The Forms of Capital. In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York. Greenwood Press.
۱۴. Flora, C. Emery, M. Fey, S. Bregendahl, C. (۲۰۰۵). *Community capitals: a tool for evaluating strategic interventions and project*, north central regional center for rural development, Iowa State University.
۱۵. Soourdieu, P. (۱۹۸۵). Social Space and the Genesis of Groups. *Theory and Practice*. ۱۴ (۶): ۷۲۳-۷۴۴.
۱۶. Swarts, D. (۱۹۹۷). *Power and Culture: the Sociology of Pierre Bourdieu*, the University of Chicago Press.
۱۷. Van Laere, E. Baesens, B. (۲۰۰۹). *Regulatory and Economic Capital, Theory and Practice. Evidence from the Field*.